



## هویت ایرانی (۴) (هویت جمعیتی و اقتصادی ایران)

## درس شانزدهم

جمعیت هر جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟  
(در معرفی جوامع به ویژگی‌های جمعیتی آنها مانند تعداد جمعیت، جوان و پیر، روستایی و شهری، بیکار و شاغل بودن جمعیت و... اشاره می‌کنند) چرا که جمعیت هر جامعه، بخشی از هویت آن محسوب می‌شود. چه رابطه‌ای میان جمعیت و هویت جوامع وجود دارد؟

### دی 97

اولین شرط بقای هر جامعه، جمعیت آن است. وضعیتی را تصور کنید که جمعیت یک جامعه منقرض شود. در آن صورت، آن جامعه نابود می‌شود. در صورت نبود یا کمبود اعضای جامعه، بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر زمین می‌ماند. اما آیا صرف اندازه جمعیت، کفایت می‌کند؟ آیا یک جمعیت غیرمسئول و بی تفاوت می‌تواند نیازهای جامعه را برطرف سازد؟ به نظر شما جمعیت هر جامعه، بر ثروت، امنیت، قدرت و منزلت آن در میان سایر جوامع چه تأثیری دارد؟ جمعیت یک جامعه چه رابطه‌ای با هویت آن دارد؟ جوامع مختلف برای تأمین جمعیت مطلوب خود، چه می‌کنند؟ جامعه ما از این نظر چه وضعیتی دارد؟

به خاطر دارم که چند سال پیش، یک روز پدرم پاکتی را به من داد که روی آن نوشته شده بود «اسناد خانوادگی». درون پاکت شجره‌نامه‌ای به چشم می‌خورد. شجره‌نامه‌ای مثل همه شجره‌نامه‌ها که نشان می‌داد مثلاً ساموئل در سال ۱۸۲۷ متولد شده و در سال ۱۸۸۱ از دنیا رفته است، نام او با خطی به نام ماریا که همسر او بود وصل شده بود و در زیر نام آن دو، خطوط شاخه شاخه‌ای به چشم می‌خورد که دخترها و پسرهایشان را نشان می‌داد و بعد نوه‌ها و نسل‌های بعدشان را. خطوط را دنبال کردم تا به نام پدر و مادرم و خودم رسیدم. به این فکر می‌کردم که این افراد که بوده‌اند. چگونه روزگار گذرانده‌اند و اصلاً زندگی‌شان چه فایده‌ای داشته است؟ آنگاه به یاد آیاتی در عهد عتیق افتادم که در آنها به ترتیب نام افرادی نه چندان شناخته شده می‌آید و در نسل هشتم به نام داوود علیه السلام می‌رسد و این گونه از او یاد می‌کند که «او پادشاهی بزرگ بود و برگزیده خداوند». فکر می‌کنم اگر این شجره در جایی قطع شده بود داوودی پدید نمی‌آمد. اگر اجداد من هم نبودند، من متولد نمی‌شدم و اگر من به دنیا نیامده بودم، فرزندان و نوادگانم پا به این دنیا نمی‌گذاشتند. کسی چه می‌داند شاید هدف از تولد من، پیدایش کسی به بزرگی و سروری داوود در نسل‌های آینده من باشد. شاید یکی از فرزندان یا نوادگان من آدمی بزرگ شود. چه حس خوشایندی! حتی اگر کسی به یاد نیاورد که من که بوده‌ام و چه کرده‌ام، همین قدر که من معبری باشم برای گذار آیندگانی که شاید داوودی

در میانشان باشد، کاری بزرگ است و البته بس دشوار. باید سعی کنم این دنیا را خراب نکنم؛ آن را اندکی اصلاح کنم و به بهتر از آنچه به من داده شده، تبدیل نمایم یا حداقل سعی کنم آن را خراب نکنم و دست نخورده تحویل آیندگان بدهم تا زندگی‌ام بی‌ثمر نبوده باشد. آن وقت، آیندگانم از من به نیکی یاد خواهند کرد؛ حتی اگر نامم را ندانند یا وقتی آن را در شجره‌نامه خانوادگی می‌بینند، به نظرشان چندان شناخته شده نباشد.

«شجره‌نامه»

(همه کیمیاگریم، چارلز هندی)

### الشجرة النسب



برای پاسخ به پرسش‌های صفحه قبل، لازم است برخی از مطالب اساسی کتاب را با هم مرور کنیم. در یکی از درس‌ها درباره تفاوت جهان طبیعی و جهان اجتماعی بیان شد که جهان اجتماعی پدیده‌ای معنادار است. همچنین گفته شد که به آگاهی‌ها و معانی مشترکی که جهان اجتماعی

براساس آن ساخته می‌شود، فرهنگ می‌گویند. آیا این درس را به یاد می‌آورید؟  
منظور از هویت فرهنگی چیست؟  
در درس دیگری گفته شد که (هویت هر جهان اجتماعی براساس فرهنگ (عقاید و ارزش‌های کلان) آن شکل می‌گیرد و به همین دلیل از آن به «هویت فرهنگی» تعبیر می‌شود) آیا به یاد دارید این نکات را در چه درسی آموختید؟

یک بار دیگر رابطه آگاهی (معنا)، فرهنگ و هویت جهان اجتماعی را در کلاس بازگو کنید. تشریح این رابطه، به شما کمک می‌کند تا به رابطه جمعیت و هویت جهان اجتماعی پی ببرید. شما با گستره جهان اجتماعی و چگونگی گسترش آن آشنا کنید. گسترش جهان اجتماعی از طریق گسترش فرهنگ و معانی آن صورت می‌گیرد. هر عاملی که در گسترش فرهنگ و معانی مؤثر باشد، در بسط هویت جهان اجتماعی اثرگذار است. راه گسترش هر فرهنگ، شناختن (اندیشیدن)، پذیرفتن و عمل کردن به آن است. شناختن و عمل کردن صرفاً از

دی ۹۹

عهده افراد و اعضای جهان اجتماعی برمی‌آید. اعضای جهان اجتماعی، حامل و عامل فرهنگ و معانی آن هستند. هرچه حاملان و عاملان یک فرهنگ و معانی آن بیشتر باشند، آن فرهنگ بسط بیشتری می‌یابد. وضعیتی را تصور کنید که یک جهان اجتماعی تمام اعضایش را از دست بدهد آیا اثری از زندگی برای آن جهان اجتماعی باقی می‌ماند.

روند بسط فرهنگ را به خوبی می‌توان در گسترش معانی و ارزش‌های خانواده مشاهده کرد. با ازدواج و تشکیل خانواده، مودت و رحمت میان زن و مرد ایجاد می‌شود<sup>۱</sup>. با تولد اولین فرزند، مودت و رحمت میان اعضای خانواده بیشتر می‌شود و رحمت و مودتی که میان زن و شوهر وجود دارد، به رابطه فرزند و والدین نیز تسری می‌یابد. با تولد فرزندان بعدی و بزرگ‌تر شدن خانواده، این معانی و ارزش‌ها گسترده‌تر می‌شود. با گسترش خانواده‌ها و ایجاد نسبت‌هایی چون پدربزرگ، مادربزرگ، خاله، دایی، عمه، عمو، پسرعمو و... نظام خویشاوندی شکل می‌گیرد که باز هم زمینه گسترش بیشتر مودت و رحمت را فراهم می‌سازد.

چرا تأمین جمعیت مناسب برای یک جامعه مسئله‌ای هویتی است؟ شهریور ۹۹  
دی ۹۷  
(به همین ترتیب، افزایش جمعیت یک جهان اجتماعی، به منزله گسترش فرهنگ و معانی آن است و کاهش جمعیت یک جهان اجتماعی نیز به منزله محدود شدن گستره آن است که می‌تواند زمینه‌ساز بسط و تسلط جهان‌های اجتماعی دیگر باشد. از این رو تأمین جمعیت مناسب برای جهان‌های اجتماعی، مسئله‌ای هویتی است.)

۱- «و از نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میان شما مودت (دوستی) و رحمت (مهربانی) قرار داد؛ یقیناً در این، نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند» (سوره روم، آیه ۲۱).

**در چه صورتی جهت گسترش فرهنگ اسلامی و توحیدی، افزایش جمعیت ضروری است؟ دی 99**

هدف اسلام تأسیس جهان اجتماعی توحیدی و گسترش آن است. لازمه تحقق این هدف، داشتن جمعیت مناسب است. بنابراین اگر اولاً فرهنگ و معنایی که با افزایش جمعیت، بسط می‌یابد، فرهنگ حق باشد، نه فرهنگ باطل؛ ثانیاً افراد و اعضای این فرهنگ نیز حاملان و عاملان معانی حق باشند، افزایش جمعیت ضروری است<sup>۱</sup> از این رو پیامبر اسلام ﷺ روز محشر به کثرت پیروان خود مباحثات می‌کند.

فقدان هر کدام از این شرایط، مانع تحقق جهان اجتماعی توحیدی است<sup>۱</sup>.

### بخوانیم و بدانیم

گروه سه نفره نسبت به گروه دو نفره، یک عضو بیشتر دارد که در ظاهر تفاوت کم‌اهمیتی است. ولی زمانی که این دو گروه را دقیق‌تر مقایسه کنیم، پی‌می‌بریم که همین عامل، تفاوت‌های مهمی به دنبال می‌آورد. در گروه دو نفره، کناره‌گیری هر یک از اعضا، به نابودی گروه می‌انجامد. در واقع گروه دو نفره چیزی غیر از اعضایش نیست و هیچ واقعیتی فراتر از اعضای خود ندارد. در این گروه، فرد، تنها با فرد رابطه دارد و از رابطه فرد و گروه خبری نیست. اما زمانی که گروه دو نفره به گروه سه نفره تبدیل می‌شود، تغییرات مهمی رخ می‌دهد. یک عضو جدید، موجب پیدایش دو رابطه جدید می‌شود. غیر از رابطه «الف - ب» دو رابطه «الف - ج» و «ب - ج» نیز ممکن می‌شود. پیدایش این دو رابطه جدید چه نتایجی در پی دارد؟ عضو سوم می‌تواند نقش واسطه و داور را در میان دو عضو پیشین ایفا کند و از این طریق، تنش‌ها را کاهش دهد و از فروپاشی گروه، پیشگیری کند یا می‌تواند میان دو عضو دیگر تضاد و تفرقه ایجاد کند و از این تفرقه برای رسیدن به منافع خودش استفاده کند. در گروه دو نفره این کنش‌ها برای افراد امکان‌پذیر نبود ولی در گروه سه نفره ممکن شد. در گروه سه نفره، رابطه فرد و گروه امکان‌پذیر می‌شود و هر کدام از اعضا می‌تواند به نمایندگی از گروه، چنین کنش‌هایی را انجام دهد. در گروه سه نفره علاوه بر اعضا، پدیده جدیدی به نام جمع نیز به وجود می‌آید که محصول عضویت همان فرد سوم بود.

افزایش جمعیت، آثار اجتماعی و فرهنگی دیگری هم به دنبال می‌آورد. در گروه‌های کوچک، اعضا می‌توانند با یکدیگر ارتباط رو در رو و مستقیم داشته باشند و با داد و ستد با یکدیگر، نیازهای خود را برطرف کنند. ولی وقتی جمعیت یک گروه افزایش پیدا کند و به یک گروه بزرگ تبدیل شود، روابط متقابل اعضای آن پیچیده‌تر می‌شود و دیگر، روابط بی‌واسطه ممکن نخواهد بود. از این پس، روابط به کمک «نهادها» برقرار می‌شود. - مثلاً در گروه‌های کوچک‌تر، معامله پایاپای، نیاز اقتصادی اعضا را برآورده می‌ساخت ولی برای گروه‌های بزرگ‌تر، واسطه‌ای مانند پول، ضرورت می‌یابد. زبانی که یک گروه کوچک‌تر با آن سخن می‌گویند، پیچیدگی‌های زبان یک گروه بسیار بزرگ را ندارد - افزایش جمعیت باعث پدیدار شدن مسائل نوظهوری می‌شود که جهان اجتماعی باید با استفاده از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود به آنها پاسخ دهد. جهان اجتماعی با گسترش نهادهای موجود و ایجاد نهادهای جدید، برای رفع این مسائل چاره‌اندیشی می‌کند. هر نهاد، مجموعه‌ای از عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهاست که برای رفع نیاز ویژه‌ای اختصاص می‌یابد. از این رو گسترش نهادی، همان گسترش فرهنگ و معانی جهان اجتماعی است. بنابراین **لازمه بسط هویت جهان اجتماعی، افزایش جمعیت است.**

۱- نبود شرط اول، جامعه مشرک (جامعه‌ای که براساس عقاید و ارزش‌های باطل شکل می‌گیرد) می‌سازد و نبود شرط دوم، جامعه فاسق (جامعه‌ای که اعضای آن عقاید و ارزش‌های حق را می‌شناسند ولی به آنها پایبند نیستند) می‌سازد که هر دو مغایر با هدف اسلام‌اند. از این رو هم کمیت جمعیت (تعداد لازم و کافی)، هم کیفیت جمعیت (حامل و عامل فرهنگ حق بودن) در بسط و تداوم هویت جهان اجتماعی توحیدی مؤثرند.



### ● سیاست‌های جمعیتی

فرزندآوری نیاز فطری انسان‌ها و تأمین جمعیت، از کارکردهای مهم نهاد خانواده است. ولی ممکن است در مواقعی اختلال در نهاد خانواده، جهان اجتماعی را با کاهش جمعیت مواجه کند. **چهار مورد از عوامل کاهش جمعیت و سالمندی جمعیت در غرب را بنویسید. خرداد ۹۹** امروزه جوامع غربی به علت‌هایی مانند بالارفتن سن ازدواج، افزایش بی‌ثباتی، فروپاشی خانواده‌ها و طلاق، رفاه‌زدگی، عافیت‌طلبی و مصرف‌گرایی و به دنبال آن، هزینه پنداشتن فرزندان و... با مسئله کاهش جمعیت و عوارضی چون پیری و سالمندی جمعیت مواجه‌اند.<sup>۱</sup>



**منظور از سیاست‌های جمعیتی چیست؟ خرداد ۹۸ دی ۹۸** [در مواقعی که جهان اجتماعی با کاهش یا رشد جمعیت مواجه می‌شود، نهاد سیاست که مسئولیت هماهنگی نهادها را برعهده دارد، برای حل مشکل جمعیت چاره‌اندیشی می‌کند و با همراهی و همکاری مردم تدابیر و راه‌حل‌هایی را به اجرا در می‌آورد که «سیاست‌های جمعیتی» نامیده می‌شود] سیاست‌های جمعیتی می‌تواند در راستای رشد یا کاهش جمعیت باشد.

کشور ما در چه دوره‌هایی سیاست کاهش جمعیت را اجرا کرده است؟

ایران ما در دو برهه زمانی، سیاست‌های کاهش جمعیت را اجرا کرد. ۱. یک بار پیش از انقلاب اسلامی که از سال ۱۳۴۵ تا زمان پیروزی انقلاب به طول انجامید و طی آن میزان رشد سالانه جمعیت، از حدود ۳/۱ به ۲/۷ درصد در سال کاهش یافت.

۱- کاهش جمعیت، شاخص و نشانه جهان اجتماعی متجدد است، زیرا قوام خانواده و فرزندآوری در گرو محبت، ایثار و فداکاری است ولی در جهان متجدد به دلیل فردگرایی و اصالت لذت، این محبت و ایثارگری کاهش می‌یابد که به فرزندآوری کمتر و کاهش شدید جمعیت و فرو افتادن این جوامع در چاله جمعیتی می‌انجامد. هم‌اکنون این جوامع برای جبران کاهش جمعیت، سیاست‌های تشویقی و همچنین پذیرش مهاجران را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

ایران در چندین برهه ی زمانی، سیاست‌های کاهش جمعیت را اجرا کرد. غ

ایران در دو برهه ی زمانی، سیاست‌های کاهش جمعیت را اجرا کرد. ص

2 دیگر بار، بنا به ضرورت از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۰ سیاست کاهش جمعیت اتخاذ و اجرا شد که در نتیجه آن میزان رشد سالانه جمعیت از ۳/۹ به ۱/۳ درصد کاهش یافت. تداوم این روند در آینده می تواند آثار زیان باری در پی داشته باشد. آیا می توانید به برخی از آنها اشاره کنید؟

**چه عاملی زمینه ی تغییر و بازنگری در سیاست کاهش جمعیت را ضروری ساخت؟**

کاهش بیش از حد و کم سابقه رشد سالانه جمعیت، زمینه تغییر سیاست های جمعیتی را فراهم آورد. از سال ۱۳۹۰ تجدید نظر در سیاست های کاهش جمعیت شروع شد و سرانجام در سال ۱۳۹۳ اصول کلی سیاست های جمعیتی کشور تصویب گردید.

## بخوانیم و بدانیم

### منظور از نسل کشی یا پاک سازی جمعیت چیست؟

هرگونه اقدام به نابودی و حذف فیزیکی کل یا بخشی از جمعیت یک گروه بومی، قومی، مذهبی و... را نسل کشی یا پاک سازی نسلی می گویند. پدیده نسل کشی در جهان، نشانگر ابعاد هویتی جمعیت است.

در گذر زمان، نسل کشی های بسیاری انجام شده است. **چند مورد از نسل کشی هایی که در طول تاریخ انجام گرفته است را نام ببرید**

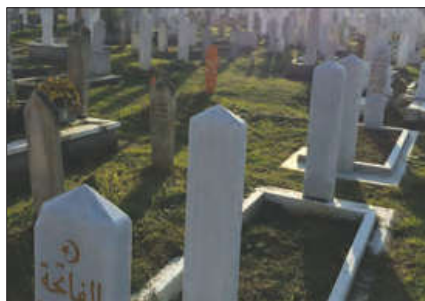
۱ اروپاییان در هجوم به قاره آمریکا برای تأمین سلطه خود، به نسل کشی و از بین بردن ساکنان بومی پرداختند و در یک مقطع پنجاه ساله، پانزده میلیون سرخ پوست را نابود کردند و مناطقی نظیر هائیتی، کوبا، نیکاراگوئه و سواحل ونزوئلا را که تراکم جمعیتی بالایی داشتند، از جمعیت خالی کردند.

۲ دو نسل کشی در بوسنی صورت گرفت؛ یکی در سربرنیتسا در سال ۱۹۹۵ و دیگری در طول جنگ ۱۹۹۲-۱۹۹۵ در سراسر بوسنی.

۴ رژیم اشغالگر قدس برای تغییر ترکیب جمعیتی سرزمین های اشغالی و بیشتر شدن تعداد یهودیان نسبت به مسلمانان و اجرای طرح های توسعه طلبانه خود، ضمن حذف فیزیکی اعراب مسلمان و آواره کردن آنها به جذب مهاجران یهودی از سراسر دنیا و کوچ دادن آنها به سرزمین های اشغالی اقدام می کند.



■ اجرای طرح های توسعه طلبانه رژیم اشغالگر قدس و تلاش برای تغییر ترکیب جمعیتی سرزمین های اشغالی



■ قبرستان مسلمانان - سارا یوو

## پیشنهاد دهید

متن «سیاست های کلی جمعیت» در جمهوری اسلامی ایران را در کلاس مطالعه کنید، سپس یک بند از آن را به دلخواه انتخاب کنید و بگویید اگر شما به جای مدیران و مسئولان کشور بودید، برای تحقق آن چه می کردید؟

در برهه های زمانی زیر، به ترتیب، چه نوع سیاست های جمعیتی در ایران اتخاذ شده است؟

الف- از سال 1345 تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی: سیاست کاهش جمعیت

ب- از سال 1390: تجدید نظر در سیاست های کاهش جمعیت

ج- از سال 1393: تصویب اصول کلی سیاست های جمعیتی کشور

د- از سال 1368 تا 1390: سیاست کاهش جمعیت

## منظور از هویت اقتصادی جامعه چیست؟ کنش اقتصادی را تعریف کنید

به آن دسته از فعالیت‌های روزمره که برای تهیه و تولید وسایل ضروری زندگی و رفع نیازهای مادی و معیشتی خود و دیگران انجام می‌دهیم، کنش اقتصادی می‌گویند. کنش‌های اقتصادی ما، بخشی از کنش‌های اجتماعی هستند؟



حضور فعال و مؤثر افراد جامعه در شکل‌گیری هویت اقتصادی

نهاد اقتصادی چگونه شکل می‌گیرد؟  
کنش‌ها، روابط و قواعدی که حول تولید و مصرف کالا و خدمات و توزیع درآمد و ثروت صورت می‌گیرد، نهاد اقتصاد را شکل می‌دهد. می‌دانید که نهادها در تمامی جوامع وجود دارند، ولی انواع و اشکال متفاوتی دارند. آیا اقتصاد نیز این‌گونه است؟ در هر جامعه‌ای، اقتصاد در رابطه با سایر نهادها شکل می‌گیرد و با آنها تناسب پیدا می‌کند. از این رو یکی از وجوه تمایز جوامع، اقتصاد و مؤلفه‌های اقتصادی آنهاست. منظور از هویت اقتصادی جامعه چیست؟ شیوه‌های تقویت و تضعیف آن کدام‌اند؟

چرا افراد در معرفی خود، بعضی از ویژگی‌ها، مثل مصرف‌کننده یا مالیات‌دهنده را به زبان نمی‌آورند؟

افراد خود را کارآفرین، تولیدکننده، کارگر، کارمند، تاجر و... معرفی می‌کنند. همه ما مصرف‌کننده یا احیاناً مالیات‌دهنده نیز هستیم؛ ولی به دلیل اینکه ما را از دیگران متمایز نمی‌کند، آن را به زبان نمی‌آوریم. برخی از افراد کم‌فروش، محتکر، دلال و... هستند ولی به دلیل صد ارزش بودن، این کار خود را مخفی می‌کنند. آیا این عناوین

چرا افراد برخی از ویژگی‌ها، مانند کم‌فروش، محتکر، دلال و... را مخفی می‌کنند؟

همه نشانگر هویت اقتصادی افراد نیست؟

آیا تنها می‌توان از هویت اقتصادی افراد سخن گفت؟ یا اینکه گروه‌ها، سازمان‌ها، کشورها و جهان‌های اجتماعی نیز دارای هویت اقتصادی هستند؟ آیا مجمع خیرین مدرسه‌ساز، انجمن حمایت از بیماران خاص، شرکت تعاونی و... که دور هم جمع می‌شوند تا خدمتی به دیگران ارائه کنند، هویت اقتصادی ندارند؟ جوامع مختلف نیز هویت اقتصادی دارند. از

این رو در معرفی جوامع، به ویژگی‌های اقتصادی آنها اشاره می‌کنند. مثلاً از اقتصادهای دانش‌بنیان؛ تک‌محصولی (مانند اقتصاد نفتی)؛ مقاوم / شکننده؛ دستوری / غیر دستوری؛

چند مورد از ویژگی‌های اقتصادی جوامع را نام ببرید

سرمایه‌داری / سوسیالیستی / اسلامی؛ و... یاد می‌کنند. ویژگی‌های هویت اقتصادی جامعه ما کدام‌اند؟

## دستاوردهای اقتصاد ما

اقتصاد امروز ما، محصول رویدادهای گذشته و عملکرد کنونی ماست. این اقتصاد از سویی انواع دستاوردهای اقتصادی مانند **1** گسترش بهره‌مندی مردم کشور از آب و برق و گاز و ارتباطات، **2** ایجاد زیرساخت‌های مختلف مثل سدها و نیروگاه‌ها، **3** توسعه ظرفیت تولیدی کشور در انواع محصولات، **4** ارتقای شاخص‌های بهداشت و درمان، **5** موفقیت‌های علم و فناوری، **6** سازندگی خرابی‌های ناشی از جنگ، **7** جبران برخی عقب‌ماندگی‌های تاریخی، **8** مقابله با تحریم‌ها و... را در پی داشته است و از سوی دیگر با معضلاتی چون تورم، بیکاری، وابستگی به نفت، توزیع نابرابر امکانات، تجمل‌گرایی و غلبه فرهنگ مصرفی و... دست به گریبان است.



■ مجتمع تولیدی مپنا

تاثیر سرمایه‌های نفتی بر اقتصاد را بنویسید. دی 99

از جمله عوامل شکل‌گیری اقتصاد کشور ما در طول تاریخ چه بوده است؟

از جمله عوامل شکل‌گیری این اقتصاد در طول تاریخ معاصر ایران، کشف نفت و سرمایه‌های حاصل از فروش نفت به خارجیان بوده است. اگرچه سرمایه‌های نفتی می‌تواند به انواع دارایی‌ها و ثروت‌ها مانند صنایع و کارخانجات تولیدی مختلف تبدیل شود؛ اما اگر به درستی استفاده نشود، می‌تواند اقتصادی وابسته ایجاد کند که رشد و افول آن، به قیمت و درآمد نفتی وابسته

است. آیا دربارهٔ آثار نوسانات قیمت نفت بر یک اقتصاد وابسته چیزی می‌دانید؟

اسیب‌های مبتنی بر اقتصاد نفتی را بنویسید. (دکتر دو مورد کافی است) خرداد 99  
1) چنین اقتصادی از آن جهت که درآمد هنگفت و بدون زحمتی ایجاد می‌کند، باعث شکل‌گیری تولید ملی ضعیف و شکننده‌ای می‌شود که مستقیم و غیرمستقیم وابسته به نفت است؛ دولت بزرگی به وجود می‌آید که می‌کوشد رفاه اقتصادی را به مدد نفت و نه رواج کسب و کار، افزایش دهد و حتی هزینه‌های آموزش و بهداشت را - که در بیشتر نقاط دنیا از محل مالیات‌ها پرداخت می‌شود - به کمک درآمدهای نفتی تأمین کند.



## چرا اقتصاد حاصل از اقتصاد تک محصولی پایدار نیست؟ شهریور 98

این وضعیت می تواند در کوتاه مدت احساس رفاه بیشتری را آن هم با نوسانات زیاد برای مردم به ارمغان آورد؛ اما پایدار نیست. در مقابل وضعیت شکننده ای را به وجود می آورد که می تواند مورد سوء استفاده طمع ورزان بین المللی قرار گیرد و از آن به عنوان ابزاری برای ایجاد فشار بر جامعه استفاده کنند. انواع تحریم های اقتصادی نفتی و مالی با چه رویکردی علیه کشور ما اتخاذ شده است؟ است تا اولاً درآمد نفتی کشور را محدود کنند؛ ثانیاً از انتقال آن به کشور ممانعت ورزند.

هجوم اقتصادی به ایران تاریخی طولانی دارد و در ادوار مختلف از سوی استعمارگران غربی به صورت های مختلفی دنبال شده است. این کار در زمان قاجار با تلاش برای اخذ امتیازات مختلف مانند امتیاز رویترو و رژی و... و در دوره پهلوی از طریق تاراج نفت، فروش جنگ افزار و کالاهای مصرفی و صنایع مونتاژ و تخریب بنیان های تولید ملی به ویژه روح خودباوری ملت ایران انجام شد. در مورد نقش اصلاحات ارضی در تخریب کشاورزی ایران چه می دانید؟

آیا تهاجم اقتصادی استعمارگران غربی در طول تاریخ، علیه سایر ملت ها، اعمال می شده است؟ چرا؟  
تتهاجم اقتصادی استعمارگران غربی در طول تاریخ، علیه سایر ملت ها، اعمال می شده و در

مقابل، واکنش های آنها را در پی داشته است؛ چرا که اقتصاد، روزنه ورود استعمار و نابودی هویت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جوامع به شمار می رود. (کمپانی هند شرقی انگلیس چه ماهیتی داشت و چگونه عمل می کرد؟)  
با ماهیت اقتصادی و تجاری فعالیت می کرد، عملاً ابزاری برای هویت زدایی و غارت و چپاول دارایی های عظیم مردم هند بود و مقاومت مردم هند به رهبری گاندی، نمونه ای از واکنش به چنین اقداماتی بود.

### عامل اصلی هویت یابی افراد و جوامع غربی چیست؟

جهان غرب، هویت خود را بر اساس اقتصاد شکل می دهد و سرمایه داری، عامل اصلی هویت یابی افراد و جوامع غربی است. در این جهان، هویت انسان ها و جوامع، بیش از هر چیز به دارایی و توان اقتصادی آنها وابسته است. جوامع دیگری که به تبعیت از غرب، رویکرد سکولار و دنیوی دارند نیز هویت سرمایه داری پیدا می کنند.

این جهان اجتماعی در اقتصاد هیچ مانعی را بر سر راه خود بر نمی تابد و در مسیر گسترش خود، شیوه های اقتصادی غیر سرمایه دارانه را در سراسر جهان نابود می کند.<sup>۱</sup>

۱- شیوه سرمایه داری یعنی جستجوی سود از طریق بازار. در این شیوه اقتصادی، هدف کنش گران و بنگاه های اقتصادی، به دست آوردن حداکثر سود است و وسیله آنها استفاده از علوم تجربی برای ساماندهی حسابگرانه و دقیق مؤلفه های اقتصادی (کار، سرمایه، مواد، فناوری و...) برای تضمین حداکثر سود است. این اقتصاد نه براساس رفع نیاز انسان ها بلکه بر محور سود شکل می گیرد. از این رو بیشترین تخریب ها در طبیعت و منابع طبیعی را در پی داشته و در موارد بسیاری با فطرت انسان ها ناسازگار بوده است. انسان ها می توانند با هدف رفع نیازهای خود و دیگران دست به فعالیت اقتصادی بزنند و در این راستا از تمامی ظرفیت های پیدا و پنهان عالم و آدم استفاده کنند. در طول تاریخ همواره شیوه های اقتصادی دیگری غیر از شیوه سرمایه داری مانند شیوه های همیاری، تعاونی، دولتی، سوسیالیستی و... وجود داشته است. آیات زیر به وضوح تقابل نگاه قرآن را با اصالت بخشیدن به سرمایه و شیوه های سرمایه دارانه نشان می دهد. «هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می دهد» (طلاق، ۲). «اگر اهل شهرها و آبادی ها، ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند به یقین برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم» (اعراف، ۹۶). «گر آنان آنچه را از سوی پروردگارش بر آنها نازل شده برپا می داشتند از آسمان و زمین روزی می خوردند» (مائده، ۶۶) «ای پیامبر از اموال آنها صدقه ای (زکات) بگیر تا به وسیله آن، آنها را پاک سازی و پرورش دهی» (توبه، ۱۰۳) «خداوند را نابود می کند و صدقات را افزایش می دهد» (بقره، ۲۷۶)

**چرا جوامع غربی علیه ایران جنگ اقتصادی تمام عیاری به راه انداخته اند؟ شهریور ۹۹**  
 بنابراین برخی از کشورهای سلطه‌گر غرب، که از سویی اقتصاد را اساس همه چیز می‌پندارند و از سوی دیگر، تمامی شیوه‌های اقتصادی غیر سرمایه‌داری را نابود شده می‌بینند، پاشنه آشیل ایران اسلامی را اقتصاد می‌دانند؛ از این رو جنگ اقتصادی تمام عیاری را علیه کشور ما به راه انداخته‌اند.



**اقتصاد مقاومتی چیست. دی ۹۷** **چهار مورد از ویژگی های اقتصاد مقاومتی را بنویسید خرداد ۹۸**  
 در چنین موقعیتی راه نجات اقتصاد ایران و احیای هویت آن چیست؟ ایران اسلامی، آرمان‌سازی هویت اقتصادی خود را با اجرای قانون اساسی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی تعقیب می‌کند. اقتصاد مقاومتی، الگویی از اقتصاد پیشرفته، مستقل و مستحکم است که با باور به تعالیم حیات‌بخش اسلام و اتکا به ظرفیت‌های مولد مردمی و دولتی، روحیه جهادی، خلاقیت، نوآوری، امید، همبستگی، و با حضور فعال و مؤثر در تعاملات جهانی، برای مردم ایران، امنیت، رفاه و پیشرفت توأم با عدالت؛ و برای جهان اسلام و بشریت الگویی ایرانی - اسلامی از رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد.  
 مردم و دولت ایران می‌کوشند براساس عدالت، با اتکا به دانش و فناوری و با تأکید بر استقلال، خودکفایی، منع خام‌فروشی ثروت‌های طبیعی<sup>۱</sup>، حفظ اقتدار و عزت ملی، درون‌زایی در عین برون‌گرایی<sup>۲</sup> هویت اقتصادی نوینی را در این سرزمین پایه‌ریزی کنند. این هویت اقتصادی در مقابل انواع مشکلات و موانع، مقاوم و پایدار می‌شود تا بتواند مسیر پیشرفت را بدون تأثیرپذیری از دشمنی‌های بیرونی و موانع درونی طی نماید.

#### پیشنهاد دهید

- متن «سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی» در جمهوری اسلامی ایران را در کلاس مطالعه کنید و با توجه به آن، به سوالات زیر پاسخ دهید.
- سازوکارهای مقاوم‌سازی اقتصاد ایران در برابر موانع داخلی و خارجی پیشرفت کدام‌اند؟
  - شما دانش آموزان برای تحقق اقتصاد مقاومتی چه مسئولیتی بر عهده دارید؟

۱- فروش نفت خام بدون تبدیل آن به مواد دارای ارزش افزوده بالاتر، مانند محصولات پتروشیمی در داخل.  
 ۲- اقتصادی که مانند چشمه‌ای از درون بجوشد و بر تولید داخلی قوی خود متکی است ولی صرفاً برای خود تولید نمی‌کند؛ بلکه آن را به صورتی متعادل با سایر کشورها مبادله می‌کند.

## مفاهیم اساسی

ابعاد عینی هویت،

## خلاصه کنید

– هر جهان اجتماعی برای گسترش و پیشرفت به جمعیت مناسب نیاز دارد.

## آنچه از این درس آموختیم

راهکارهایی که برای حل مشکل جمعیتی اندیشیده می شود چه نام دارد؟ دی 97

- الف- سیاست های تشویقی
- ب- سیاست های جامعه
- ج- سیاست های جمعیتی
- د- سیاست های توزیع متعادل جمعیت

افزایش جمعیت یک جامعه زمینه ساز گسترش چه عامل مهمی است؟ دی 97

- الف- گسترش وضع اقتصاد
- ب- گسترش شهرنشینی
- ج- گسترش فرهنگ
- د- گسترش جمعیت جوان